

امت واحد، تفکر سیستمی الاهی برای تحقق حیات طیبه

طوبی کرمانی*

صیحه نباتی**

[تاریخ دریافت: ۱۳۹۶/۰۷/۰۲؛ تاریخ پذیرش: ۱۳۹۶/۰۹/۱۴]

چکیده

بررسی ماهیت ساختار امت واحد شامل اهداف و ویژگی‌های آن مبتنی بر رویکرد غایت‌شناسانه در نگاه نظام‌مند یکپارچه با بهره‌گیری از آیات قرآنی و روش توصیفی تحلیلی مد نظر این نوشتار است. برای تحقق این منظور متن مقاله با مبحث نظریه سیستم‌ها به عنوان نوعی روش‌شناسی علمی و نگرش به جهان آغاز شده که بر پایه به‌کارگیری رویکرد سیستمی انجام می‌گیرد، و کوشیده‌ایم بحث به گونه‌ای پیش رود که به تبیین تفکر سیستمی بینجامد. پس از آن، ساختار مطلوب امت واحد مبتنی بر رویکرد فوق، به عنوان تفکر سیستمی الاهی تبیین شده است. وجود تفکر سیستمی در اسلام و آموزه‌های جهان‌شمول آن تأمین‌کننده عالی‌ترین غایات و ضامن سلامت و پویایی امت واحد است؛ چراکه شاکله‌غایی ساختار امت واحد در مسیر نهایی طبق وعده قرآنی، قرب الی الله است که برای همه دوران‌ها، زمینه‌ساز اصلی برخورداری انسان‌ها از حیات طیبه دنیوی و اخروی است.

کلیدواژه‌ها: تفکر سیستمی، امت واحد، رویکرد غایت‌شناسانه، حیات طیبه.

* استاد گروه الاهیات و معارف اسلامی، دانشگاه تهران kermani@ut.ac.ir

** دانشجوی دکتری مذاهب کلامی، دانشگاه ادیان و مذاهب قم (نویسنده مسئول) sabeehanabaty@yahoo.com

مقدمه

بشر امروز که جهان را به دهکده‌ای کوچک بدل کرده، علی‌رغم تفکر سیستمی حاکم بر آن و پیشرفت‌ها در حوزه علم و صنعت و فناوری، حیات انسانی را با مشکلات بزرگی روبه‌رو کرده است؛ چراکه انگیزه اعضای آن در همان دهکده واحد، انگیزه‌های فردی و نفسانی است نه جمعی و انسانی. علت این مسئله، طبق کلام صریح قرآنی، مهجورماندن قرآن و دیگر منابع حیات‌بخش ادیان الاهی است (فرقان: ۳۰). آموزه‌هایی که بیرون‌آورنده از تاریکی‌های جهالت به انوار هدایت‌اند و موعظه از جانب ربّ یگانه را راه درمان مشکلات معرفی می‌کنند (مانده: ۱۶؛ یونس: ۵۷). خداوند نظامی را با ارسال همه انبیا مقرر کرده و حتی قبل از نبی رحمت (ص)، سنت الاهی امت واحده این چنین تدبیر شده بود که اختلاف نکنند و به حق حکم کنند (بقره: ۲۳۱).

یکی از دلایل اساسی تأکید قرآن بر امت واحده،^۱ حتی در جامعه‌ای کوچک، وحدت در میان اعضا است؛ چراکه اتحاد توان مضاعفی را فراهم می‌کند. برآیند این همبستگی، پایه‌های حیات طیبه جوامع انسانی را محکم می‌کند: «كَمْ مِّن فِئَةٍ قَلِيلَةٍ غَلَبَتْ فِئَةً كَثِيرَةً بِإِذْنِ اللَّهِ؛ چه بسا گروه قلیلی بودند که به اذن خدا بر گروه کثیری غالب شدند» (بقره: ۲۴۹) و قطعاً اذن الاهی بر مدار اختیار انسان جاری است. چه بسا امت واحده در عین کوچکی، هسته اصلی جامعه و پایه اجتماع بزرگ صالحی می‌شود: «إِنَّ إِبْرَاهِيمَ كَانَ أُمَّةً قَانِتًا لِلَّهِ حَنِيفًا وَ لَمْ يَكُ مِنَ الْمُشْرِكِينَ؛ ابراهیم به تنهایی امتی مطیع و فرمان‌بردار و یکتاپرست بود و هرگز از مشرکین نگشت» (نحل: ۱۲۰). تاریخ به ما می‌آموزد که تواناترین ملت‌ها مللی بوده‌اند که اعضای آنها با هم متحد بوده و هدف مشترک داشته‌اند و در سایه این اتحاد، قوی‌ترین بنیاد را تشکیل داده‌اند. البته رعایت سبک صحیح و پاره‌ای معیارهای دیگر نیز به عنوان عناصر اولیه بنای امت واحده اهمیت دارد و به علت نقشی که در قوام و بقای آن دارد، اهمیتی دوچندان پیدا می‌کند. مجموعه تعالیم اسلامی انسان را به وجود ساختاری که پاسخ‌گوی نیازهای بشر برای استقرار حیات طیبه بوده، راهنمایی می‌کند. از این‌رو، بیان اجمالی نظریه سیستم‌ها و چستی ساختار (structure) امت واحده با تأکید بر آیات قرآن کریم اولویت ویژه‌ای می‌یابد و در نگاهی غایت‌شناسانه برای تحقق حیات طیبه ضروری است.

نظریه سیستم‌ها

این نظریه کل‌نگر است و تا حدودی مرتبط با نظریه گشتالت^۲ کل را به هم پیوسته و واجد صفاتی می‌داند که در هیچ یک از اعضای تشکیل‌دهنده نیست و به عبارت دیگر، کلیت ارگانیک را بیان می‌کند که حاصل جمع رفتارها است (majdnia.blogfa.com). البته سیستم، مفهومی عمومی است که معمولاً در مقوله‌های متفاوت مد نظر قرار می‌گیرد و در عصر حاضر نیز با بلوغ اندیشه بشری، بیشتر استفاده شده است. سیستم عبارت است از تعدادی عنصر که با یکدیگر ارتباط دارند. با تکیه بر این تعریف، سیستم موجودیتی است متشکل از عناصری مرتبط و متعامل که این ارتباط و تعامل، نوعی کلیت و تمامیت به آن می‌بخشد (فرشاد، ۱۳۶۲: ۴۳؛ احمدی، ۱۳۹۱). این مجموعه به هم پیوسته در جهت هدف معینی حرکت می‌کنند. یعنی متولد می‌شوند، رشد می‌کنند و به بلوغ می‌رسند. رابطه‌های درونی اعضا، رابطه‌های محیطی، خرده‌سیستم‌ها، شبکه‌ها، درون‌دادها و برون‌دادها، موجب حرکت به سوی تکامل سیستم می‌شود و در این مسیر همسویی، همراهی، هم‌فکری، همکاری و ... راه‌های رسیدن به هدف را تسهیل می‌کند.

حاصل جمع توانایی‌های سیستم، بیشتر از توانایی حاصل جمع جبری تک‌تک اعضا است. سیستم با دریافت منابع مادی، انسانی و تغییر و تبدیل آنها و سعی در ازدیاد و بهبود بازده، بیش از آنچه نیرو (به صورت نیروی انسانی، مواد و اطلاعات) می‌گیرد نیرو تولید می‌کند (توبه: ۶). بر این اساس، سیستم خود را در مقابل سکون و نابودی حفظ می‌کند و ارتباطات در چنین فضایی می‌تواند رشد یابد و به تکامل برسد.

«از اصول نظریه سیستمی می‌توان هدفمندی، کل‌گرایی، نظم‌یافتگی، سازش‌پذیری و هم‌پایانی را برشمرد» (حقیقت، ۱۳۸۷: ۲۲۵). منظور از روش مجموعه‌نگر کلی‌نگری است و برخلاف روش انتزاعی و جزئی‌نگر، با ملاحظه کل و روابط کل، به انسان وسعت دید می‌دهد. «ارسطو، افلاطون، ابن‌خلدون، مولانا و هگل، از جمله دانشمندانی هستند که به مفهوم سیستم‌ها توجه داشته‌اند. این تفکر در خارج از محدوده یک علم معین متولد شد و در محیطی میان‌رشته‌ای رشد کرد» (زاهدی، ۱۳۸۹: ۱۲). در این راستا «مقصود از جهان‌بینی سیستمی، بررسی پدیده‌ها از طریق در نظر گرفتن کل پدیده است» (همان: ۶۷). نگاه جامع و نظام‌مند^۳ ارتباط وقایع با یکدیگر در مقابل مشاهده صرف،

سازگار کردن و سامان‌دادن اجزا برای رسیدن به هدف، انتخاب ساختاری متناسب در راستای غایت از مزایای بالقوه تفکر سیستمی است.

ساختار اُمت واحده و ویژگی‌های آن در بینش اسلامی

در فرهنگ معین، ساختار به معنای ساختمان، ترکیب، سبک، سازمان، بنا، تشکیلات‌دادن، پی‌ریزی کردن، چگونگی ساختمان چیزی، همچنین ترتیب اجزا و بخش‌های شیء است (معین، ۱۳۸۱: ۸۱۰). در بینش اسلامی، ساختار مشتمل بر اعضای است که چارچوب و بدنه اُمت واحده را تشکیل می‌دهد و در این میان، انتخاب اولیای حق و ردّ اولیای کفر، شرط اساسی تحقق ساختار اُمت واحده است^۴ (بقره: ۱۴۳). این ساختار با توجه به تنوع الگو در گستره زمان‌ها و فرهنگ‌ها و نگرش‌های ارزشی گوناگون راجع به هر یک از الگوهای مشهود و موجود در طول تاریخ، آینده‌ای با منظره و منظومه انسانی ترسیم می‌کند. از دیدگاه اسلام نیز، مفهوم «اُمت واحده» مستلزم مفهوم «قربت»، «تقارن» و «همدلی» است. نهاد اُمت واحده را می‌توان به مثابه نظامی دانست که علاوه بر برخورداری از کلیت، اهداف خاصی بر تشکیل آن مترتب می‌شود. این اهداف می‌تواند مادی، معنوی یا مجموعه‌ای از هر دو باشد. افراد و صفات هر فرد، اجزای این سیستم، و به مثابه درون‌دادها هستند و در ارتباط و تعامل با یکدیگر، اهداف ترسیم‌شده مد نظر را که به منزله برون‌داد در نظر گرفته می‌شود به وجود می‌آورند.^۵

معیارهای تعیین و تشخیص ویژگی‌های ضروری برای بنای اُمت واحده نظام‌مند، از دل سیستم و ویژگی‌های ضروری برای سیستم درمی‌آید. به عبارت دیگر، معیارها باید بر مبنای نقشی که در تسهیل کارکرد نهاد سیستماتیک ایفا می‌کنند، تعیین شوند. اگر یک ویژگی بیش از دیگر ویژگی‌ها می‌تواند کارکرد سیستمی نهاد را تأمین کند، آن ویژگی مناسب‌تر است. در نقطه مقابل، ساختارهایی که با معیارهای نادرست، غیرمنطقی، ناآگاهانه و با ترفندهای استکباری و با توجه به سنت‌های اشتباه همچون داعشی‌ها به نام اسلام و مسلمانی صورت می‌گیرد، مسئله‌ساز می‌شوند و علاوه بر اینکه طبق نظریه یادشده، به رشد و تکامل اعضا و افراد اُمت واحده کمک نمی‌کنند، برای حل مشکلات ناشی از انتخاب ناصحیح، باعث اتلاف بخش بزرگی از سرمایه، انرژی و عمر می‌شوند.^۶ اشاره به دو معیار مهم در ساختار اُمت واحده نظام‌مند شایان ذکر خواهد بود:

ویژگی‌های ساختار امّت واحده

در بینش اسلامی، امّت واحده، نهادی طبیعی،^۷ فطری و الاهی است که پرداختن به آن در ابتدا به عنوان «نهاد طبیعی» و در ادامه، به عنوان «نهاد فطری» و در نهایت، به عنوان «نهاد الاهی»، بنا بر دلایل ذیل، پرداختن به اصلی‌ترین و عالی‌ترین اوج نگاه جمعی در حیات انسان‌ها است:

- طبیعی؛ چون با اصل تکوین و طبیعت آدمی به عنوان مخلوقی همچون سایر مخلوقات سازگار است (زخرف: ۳۳). نظام و سنت امّت واحده، الاهی است و اگر خدا می‌خواست همگی امّت واحده بودند. بنابراین، جعل و تحقق عملی امّت واحده، به عهده خود انسان‌ها است تا خوب و بد برایشان روشن شود ... و ظالمان را هیچ یآوری نیست (مائده: ۴۸؛ نحل: ۹؛ هود: ۱۱۸).

- فطری؛ زیرا با نیازهای فطری انسان تناسب دارد. در آغاز خلقت، جز یک امّت واحده نبود و سپس اختلاف کردند (یونس: ۱۹). این آیه نشان می‌دهد که اساس خلقت و فطرت، وحدت است و اختلاف، عرضی است.

- الاهی؛ چون دین با بیان ویژگی‌های امّت واحده، پاسخ‌گوی نیازهای فرد و جامعه در زمینه هدایت انسان به سوی ساحت ربوبی است. در روایتی از امام صادق (ع) نقل شده است که: «خداوند تبارک و تعالی در قرآن توضیح هر چیزی را نازل کرد. حتی به خدا قسم، خدا چیزی را فرو نگذاشت که بندگان به آن نیاز داشتند، تا اینکه کسی نتواند بگوید ای کاش این در قرآن نازل می‌شد. بدانید خداوند آن را در قرآن نازل کرده است» (کلینی، ۱۴۰۷: ۵۹/۱، ح ۱).

هدف کلان تشکیل امّت واحده مبتنی بر رویکرد غایت‌شناسانه

اهداف امّت اسلامی شامل همه نظام‌های خرد^۸ است و در خدمت هدف کلان شریعت، یعنی «قرب الی الله» قرار می‌گیرد. بدین مفهوم که با حفظ اهمیت و اعتبار، به عنوان اهدافی در مسیر غایت‌نهایی یا تحت عنوان اهداف متوسط و واسطی خلقت قرار می‌گیرد و در ارتباطی طولی با هدف برتر و غایی «قرب الی الله» است که با توجه به رویکرد غایت‌شناسانه این گفتار، تمرکز بر هدف غایی است.

بنابراین، همه اهداف غایی و واسطی نظام اسلامی به تبع آن صفاتی که طبق تفکر سیستمی منتج از آن هدف‌ها است و میزان اهمیت هر یک از آن صفات، در راستای رسیدن به غایت زندگی (قرب الی الله) مشخص و دارای ارزش می‌گردند؛ لذا چگونه می‌توان تصور کرد که در اسلام، ظلم و نسل‌کشی، که امروز به نام اسلام و با طراحی و حمایت استکبار جهانی صورت می‌گیرد، مطلوب ذاتی یا بالعرض نظام اسلامی باشد؟ در اسلام، افزون بر اینکه امت واحد و تشکیل آن، به خودی خود می‌تواند هدف قرار گیرد و به تعبیری مطلوبیت ذاتی داشته باشد، از مطلوبیت غیری برای رسیدن به قرب و کمال و حیات طیبه نیز برخوردار است.

با توجه به نگرش کلیتی در نظام امت واحد، آموزه‌های دینی علاوه بر تعیین اهداف، بهترین منبع استخراج ویژگی‌های ساختاری و صفات تربیتی افراد در نظام اسلامی همچون بصیرت، آگاهی، تقوا و ... هستند. این صفات خاص برای افراد در بدو امر لحاظ می‌شود؛ اما برخورداری از صفات مد نظر، نگه‌داشت و پروراندن آنها، سبب می‌شود هم این بنیاد به‌درستی شکل پذیرد و هم در ادامه، کارایی مطلوبی داشته باشد. بدین ترتیب انتخاب شایسته، نقشی مهم در تحقق اهداف نظام امت واحد دارد. گزینش و تربیت هدفمند افراد ناسالم و ناهمگون با این نظام، از راهبردهای جدی استکبار است و پیش‌بینی نکردن ترفندهای استکباری از سوی دیگر، از اشتباهات راهبردی امت اسلامی است که اثر منفی خود را بر تمام حیات جامعه اسلامی داشته و خواهد داشت؛ اثری که جبران‌ناپذیر خواهد بود و نظام امت واحد اسلامی از هم خواهد گسیخت و به اهدافش نخواهد رسید. اینکه در جامعه‌ای اسلامی، افرادی به‌ویژه فرهیختگان به سرنوشت امت اسلامی بی‌اعتنا باشند یا در جوامع اسلامی، حکومت‌هایی در راستای اهداف اجانب طی طریق کنند، آگاهانه یا ناآگاهانه، رشته حیات طیبه امت اسلامی گسسته می‌شود.

هدف، عبارت است از آن حقیقت مطلوب که اشتیاق وصول به آن، محرک انسان به انجام دادن کارها و انتخاب وسیله‌هایی است که آن حقیقت را دست‌یافتنی می‌کند (جعفری تبریزی، ۱۳۷۶: ۸۰/۱). پس از مشخص شدن هدف، افراد با آگاهی و بصیرت دست به انتخاب می‌زنند. نظر به رابطه هدف و انتخاب و با عنایت به اینکه در نظام سیستمیک هر برون‌داد خاص، از درون‌دادهای خاص منتج می‌شود، اهمیت انتخاب ولی

الاهی بیش از پیش روشن می‌شود. اُمّت واحده بر اثر عاملی فطری و تکوینی (نه قرارداد اجتماعی و اعتباری صرف یا در سایه مطامع استکباری و تصمیمات هیجانی) ایجاد می‌شود و تابع شرایط عقلانی خاص سبب استقرار حیاتی سالم، امن، ایمانی و در یک کلام، حیات طیبه خواهد بود. لذا اهمیت پرداختن به اصل انتخاب صحیح یا ناصحیح در حرکت سیستمی امت اسلامی نمایان می‌شود و جا دارد به برخی انتخاب‌های نادرست و اهداف انحرافی تکفیری‌ها که مانع راه و بازدارنده از حرکت سیستمی امت اسلامی است، اشاره کنیم:

الف. انتخاب راه با هدف حل مشکلات حاصل از محرومیت‌ها و زاویه‌گرفتن با مسیر اللّه و تفسیر به رأی آیات و نشانه‌ها که قطعاً به ایجاد جریان‌های انحرافی می‌انجامد.

ب. انتخاب راه با هدف استقلال در تصمیم و بهره‌گیری از دیگران

ج. انتخاب راه با هدف طرد هر اندیشه دیگر و کافرشمردن دیگران و محقّ مطلق خواندن خود که قطعاً می‌تواند از این اندیشه نشئت گرفته شده باشد که آنها که موافق رأی ما هستند، ماندنی و آنها که مخالف عقیده ما هستند، رفتنی‌اند.

د. انتخاب ولیّ کفر و جلب رضایت اجانب (آل عمران: ۱۱۰ و ۱۰۴ و ۱۱۳).

ه. انتخاب ابزاری دین برای رسیدن به اهدافی دیگر یا نیازهای کاذب

و. انتخاب بر اساس هیجان‌های غیرمنطقی

از میان این دلایل در تشکیل گروه‌های انحرافی تکفیری، به معنای عام، با توجه به اوضاع و احوالی که همه چیز را سیاست‌های غیرانسانی مستکبران طراحی و اجرا می‌کند، نگرش چهارم، یعنی انتخاب ولیّ کفر و جلب رضایت اجانب، برای از هم پاشیدن نظام اُمّت واحده، معنادارتر است. البته هر یک از دلایل و میزان اثرگذاری آنها، قابل بررسی است؛ اما توضیح این نکته مهم به نظر می‌رسد که نقطه اشتراک عاملان اصلی و اجرایی، از هم گسستن نظام اُمّت واحده اسلامی است. مستکبران جهانی از ایجاد تفرقه در امت واحده، بر اساس آینده‌پژوهی عمیقی کسب منافع طولانی‌مدت در جهان اسلام را مد نظر دارند؛ در حالی که عاملان اجرایی آنها، که ابزار دست بی‌اختیار و ایفاگران فرمان‌اند، نگاهشان روزمره و بر اساس کسب منافع مقطعی است؛ حتی اگر به نام ایجاد حکومت اسلامی عراق و شام باشد! اما به یقین در نهایت یا این‌گونه اهداف

سرآب‌گونه محقق نمی‌شود یا در صورت تحقق، به علت پوچ بودن هدف و اقناع‌نکردن افراد، نه فقط کفایت لازم برای استواری بنای آن را نخواهد داشت که این عاملان، اولین قربانیان دست استکبار و تاریخ مصرف گذشتگان خواهند بود. شاید اشاره آیات قرآن به این است که تا وقتی امتی طبق سیستم الهی همراه است، دوام دارد (اعراف: ۳۴؛ حجر: ۵).

وجود تفکر سیستمی امت واحده و انحرافات موجود

با وجود ارتباط بسیار نزدیک و پیوند میان دو مفهوم «سیستم» و «نگرش سیستمی» در قالب نظر، در عمل، وجود یکی به معنای حتمی بودن وجود دیگری نخواهد بود. بدین معنا امکان دارد نظامی با تمام مؤلفه‌هایش وجود داشته باشد، اما نگرش سیستمی به آن وجود نداشته باشد. بر این اساس، چنانچه مجموعه‌ای از اجزای مرتبط، مجزا از هم به کار گرفته شوند، در عمل به ناکارآمدی نظام منجر می‌شود. در طرف مقابل، ممکن است نگرشی سیستمی، اجزای غیرمرتبطی را در قالب سیستم ترکیب کند؛ اما به علت فقدان ارتباط ماهوی، وجود هر یک، ناقض دیگری است و در نهایت به ناکارآمدی مجموعه منجر می‌شود.

با توضیح فوق روشن می‌شود که آنچه امروزه در میان امت اسلامی دیده می‌شود، تلاشی است از سوی استکبار جهانی صهیونیستی برای ایجاد خدشه در نگرش سیستمی و کم‌رنگ کردن آن در میان مسلمانان که منجر به سایش اعضا و نابسامانی در بدنه امت اسلامی شده است. طبق نظریه این تحقیق، این مسئله باعث اتلاف بخش بزرگی از سرمایه، انرژی و عمر اعضای این امت شده و گروه‌هایی از مسلمانان در نتیجه انتخاب‌نکردن اولیای الهی از یک طرف و با هدایت و حمایت اولیای کفر از طرف دیگر، از سیستم امت واحده جدا شده‌اند و نه فقط کارآمدی لازم را ندارند که به صورت غده سرطانی در بدنه امت اسلامی ایفای نقش می‌کنند:

ما، یعنی دنیای اسلام، که باید نیروی خودمان را صرف کنیم برای مقابله با توطئه رژیم صهیونیستی و این حرکتی که علیه قدس شریف و مسجدالاقصی انجام دادند، که همه دنیای اسلام را بایستی به حرکت آورد، امروز ناچاریم به گرفتاری‌هایی که استکبار در درون دنیای اسلام به وجود آورده، مشغول بشویم.

جریان تکفیر، ظاهر اسلامی دارد اما عملاً در خدمت جریان‌های استعماری و استکباری و سیاسی بزرگی است که علیه دنیای اسلام دارند کار می‌کنند (خامنه‌ای، ۱۳۹۳ الف و ب).

پس وقتی در نگاه وهابیت، بحث رافضی مطرح می‌شود، به صورت هدفمند، زمینه‌های ازهم‌پاشیدگی نظام اُمّت اسلامی فراهم می‌شود و وقتی نظریه تضاد بین شیعه و سنی بیان می‌شود، عملاً چنین گسستگی‌ای تحقق می‌یابد.

مقایسه تفکر سیستمی مادی با نگرش سیستمی الاهی

در این مقایسه به منظور مرتفع کردن محدودیت‌های تفکر سیستمی و بهبود و رشد آن، با بهره‌جویی از مبدأ تفکر اسلامی، به مهم‌ترین آنها اشاره می‌کنیم:

۱. مبدأ تفکر سیستمی، حس، تجربه و آزمایش است و فقط ارزش علمی دارد. روش‌شناسی‌ای که فقط علمی باشد به سبب میزان جهل انسان به جهان، روشی نارسا است. برای جبران این نقیصه، شایسته است به مبدأ تفکر اسلامی که همان وحی است و ارزش علمی، عقلی و عینی دارد، توجه کنیم.

۲. فکر سیستمی فقط به مسائل دنیوی و مادی نظر دارد در حالی که تفکر اسلامی، جامعیت دنیوی و اخروی دارد و به دنیا و مادیات منحصر نیست^۹ (بقره: ۲۰۱).

۳. تفکر سیستمی، روش و وسیله رسیدن به هدف را عرضه نمی‌کند. لذا بر اساس ایده «توجیه وسیله با هدف»، از هر وسیله‌ای می‌توان برای رسیدن به هدف مد نظر استفاده کرد، در حالی که در تفکر ناب اسلامی برای رسیدن به هدف مطلوب باید از وسایل و روش‌های مناسب و مشروع استفاده کرد.^{۱۰} اینک هدف وسیله را توجیه نمی‌کند، در کلام بسیاری از محققان و اندیشمندان وارد شده، از جمله مطهری می‌نویسد:

برای حق باید از حق استفاده کرد. یکی از راه‌هایی که از آن راه بر دین از جنبه‌های مختلف ضربه وارد شده است، رعایت نکردن این اصل است که ما همان‌طور که هدفمان باید مقدس باشد، وسایلی هم که برای این هدف مقدس استخدام می‌کنیم باید مقدس باشد؛ یعنی به نفع دین هم نباید بی‌دینی کنیم.

دین اجازه نمی‌دهد ولو به نفع خودش ما بی‌دینی کنیم: اُدْعُ اِلَى سَبِيلِ رَبِّكَ بِالْحُكْمَةِ وَالْمَوْعِظَةِ الْحَسَنَةِ (مطهری، ۱۳۸۶: ۳۵؛ و نک.: مفتاح، ۱۳۹۵).

۴. تفکر سیستمی به تجارب افراد که از طریق واقعیت‌های زندگی در عمل به دست آمده است، توجه نمی‌کند؛ در حالی که تفکر اسلامی روش‌های مختلفی را برای زندگی در عرصه‌های مختلف پیشنهاد می‌دهد. مثلاً یکی از روش‌های تربیتی تفکر اسلامی، روش الگوپذیری از اسوه‌های صالح و مخلص است (احزاب: ۲۱). سنت پیامبر (ص) و سیره معصومان (ع) و انسان‌های بزرگ در قالب پیامبران، می‌تواند الگوی شایسته تربیتی در زندگی انسان‌ها باشد. از آن گذشته، از جمله روش‌های تربیتی تفکر اسلامی، عبرت‌گرفتن و پندآموزی از گذشتگان و دیگران است (آل عمران: ۱۳).

۵. تفکر سیستمی نمی‌تواند شناخت کلی از جهان به دست دهد، در حالی که در تفکر سیستمی الهی، هستی مبدأمند، مقصدمند و مرتبت‌مند است و برخورداری اجزای هستی از وحدت حقیقی از مبانی مهم وجودشناسی دیدگاه اسلام است (بهشتی، ۱۳۸۹: ۳۳-۳۴). بر همین اساس، چنانچه به تفکر سیستمی اسلامی توجه شود، می‌توان با توجه به ماهیت از اوایی و به سوی اوایی جهان هستی، مبدأ و معاد جهان را یافت و با توجه به آن، چگونگی خلقت جهان، حرکت جهان و جهت آن را به‌وضوح تبیین کرد (بقره: ۱۵۶). با توجه به تفکر سیستمی اسلامی، برای رسیدن به برون‌دادهای اسلامی، درون‌دادهایی هم‌سنخ و هم‌راستا لازم است.

حیات طیبه با رویکرد غایت‌شناسانه

برای درک چیستی حیات طیبه باید واژه‌های «حیات» و «طیبه» مفهوم‌شناسی شوند (حاجی‌صادقی و بخشیان: ۱۳۹۳). راغب اصفهانی واژه «حیات» را در مقابل «موت» به کار برده و آن را به معنای زندگی و زنده‌بودن دانسته گرچه به معنای نیروی رشد و حرکت و احساس نیز می‌آید (راغب اصفهانی، ۱۴۰۴: ۲۶۹). همچنین، حیات از منظر قرآن کریم دارای اقسامی است، از جمله حیات نباتی، حیوانی و انسانی (نک.: مصطفوی، ۱۳۶۰: ۳۳۷/۲). واژه «طیبه» نیز در مقابل خبیث و ناپاک است و به معنای هر چیز پاک و پاکیزه‌ای است که انسان به طور طبیعی به آن تمایل دارد (نک.: ابن‌منظور، ۱۴۱۴: ۵۶۳/۱). با

این توضیح می‌توان منظور از حیات طیبه در لغت را همان معنای زندگی پاکیزه و خالص از هر آلودگی دانست. طباطبایی در اشاره به این معنا می‌گوید: «علت اینکه چرا قرآن حیات طیبه را با صفت طیبه (حیاءً طیبه) توصیف نموده، این است که یک زندگی خالص است که خبثاتی در آن نیست» (طباطبایی، ۱۳۷۴: ۱۲/۴۹۴).

آفرینش جهان هستی غایتی حکیمانه دارد و چون انسان نیز آفریده خدا است، نمی‌تواند فارغ از غایت آفرینش باشد و غایت خلق انسان باید با هدف غایی خلقت جهان هماهنگ باشد. قرآن بارها قرابت، هماهنگی و همراهی اجزای عالم را بیان کرده و آیات فراوانی درباره هدفمندی جهان و انسان در قرآن آمده و تعبیر «وَاللّٰهُ الْمَصْبِرُ» درباره هر دو به کار رفته است (زمر: ۵؛ ص: ۲۷؛ حجر: ۲۱ و ۲۲؛ عنکبوت: ۲ و ۳؛ روم: ۸؛ قیامه: ۳۶؛ جاثیه: ۲۴ و ۲۶؛ یونس: ۵ و ۶؛ اعلیٰ: ۱ و ۳؛ طه: ۴۹ و ۵۰؛ ذاریات: ۵۶؛ بقره: ۴۶ و ۲۸۵؛ انشقاق: ۶؛ مائده: ۱۸؛ تغابن: ۳؛ احقاف: ۳؛ مؤمنون: ۱۵؛ انبیاء: ۱۶؛ دخان: ۳۸). ارزش حقیقی انسان و دست‌یابی به مقام خلیفه‌اللّٰهی در گرو حیات حقیقی است. از این‌رو، کاوش حقیقت این نوع زندگی متعالی، یعنی حیات طیبه، ضرورت مضاعف دارد. حال بر اساس تفکر سیستمی امت واحده و با تأکید بر کلام الهی که می‌فرماید «إِنَّ هَذِهِ أُمَّتُكُمْ أُمَّةً وَاحِدَةً وَأَنَا رَبُّكُمْ فَاعْبُدُونِ (انبیاء: ۹۲)؛ این است که آیین شما، آیینی واحد است و من پروردگار شمایم. پس فقط مرا پرستید» شایسته است به فرآیند تحقق حیات طیبه پردازیم.

مؤلفه‌های زمینه‌ساز تحقق حیات طیبه در بُعد فردی و اجتماعی

۱. اجابت دعوت خدا و رسول او؛ یکی از اسباب تحقق حیات طیبه است. خداوند می‌فرماید: «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اسْتَجِيبُوا لِلَّهِ وَلِلرَّسُولِ إِذَا دَعَاكُمْ لِمَا يُحْيِيكُمْ؛ ای کسانی که ایمان آورده‌اید! اجابت کنید خدا و رسولش را زمانی که شما را می‌خوانند به آنچه زنده‌تان می‌سازد» (انفال: ۲۴). گرچه این حیات، افاضه الهی است، اما انسان در سایه آراسته‌شدن به دین و اجابت دعوت خدا مستعد این افاضه می‌شود (حاجی‌صادقی و بخشیان، ۱۳۹۳). طباطبایی می‌گوید: «پذیرفتن و عمل کردن به آن دستوراتی که دعوت حقه اسلامی، بشر را به آن می‌خواند، انسان را برای درک زندگی حقیقی مستعد می‌سازد» (طباطبایی، ۱۳۷۴: ۹/۵۶).

نکته شایان توجه آنکه، دعوت خدا و رسول که اجابت آن مایه حیات بشر می‌شود، همان نظام هدایت الهی است که بشر را به رستگاری فرا می‌خواند. این هدایت باید مستمر باشد تا فیض آن شامل همه انسان‌ها تا فرجام حیات انسانی بر پهنه زمان و گستره زمین باشد (حاجی‌صادقی و بخشیان، ۱۳۹۳). قرب الی الله و حیات طیبه، مصداق‌آم غایت زندگی انسان از منظر دین است. تحصیل همه کمالات، مقدمه قرب به خدا است و انسانیت انسان، در گرو رسیدن به مراتب آن است (جمعی از نویسندگان، ۱۳۸۷: ج ۳).

۲. ایمان و عمل صالح: از زمینه‌های حیات معنوی و طیب است: «مَنْ عَمَلَ صَالِحاً مِنْ ذَكَرٍ أَوْ أَنْثَى وَ هُوَ مُؤْمِنٌ فَلَنُحْيِيَنَّهٗ حَيَاةً طَيِّبَةً وَ لَنَجْزِيَنَّهُمْ أَجْرَهُمْ بِأَحْسَنِ مَا كَانُوا يَعْمَلُونَ؛ هر کس از مرد یا زن کار شایسته کند و مؤمن باشد، قطعاً او را با زندگی پاکیزه‌ای حیات بخشیم، و مسلماً به آنان اجر بهتر از آنچه انجام می‌دادند، دهیم» (نحل: ۹۷). هرچند حیات را افاضه می‌کند، اما به مؤمن اهل عمل صالح، حیات طیبه افاضه می‌کند.

آدمی در این نوع زندگی، مبدأ و غایت حقیقی جهان را باز می‌شناسد و به او می‌گردد. تحقق حیات طیبه را می‌توان مصداق عینی غایت زندگی انسان و سعادت جاوید دانست. نیل به سعادت جاوید اخروی، فقط از مسیر ایمان و عمل صالح در همین زندگی دنیا میسر است و آغاز تحقق حیات طیبه در همین راستا است. فراموشی دنیا برای آخرت یا نادیده‌گرفتن آخرت برای دنیا جایز نیست (شورای عالی انقلاب فرهنگی، ۱۳۹۰: ۱۱۰).

ایمان نه تنها مهم‌ترین مبنا در راستای رسیدن به هدف ساختار اُمت واحد است، بلکه مؤثرترین عامل در تحقق غایت نهایی آفرینش، یعنی قرب به خداوند و حیات طیبه، نیز هست (نحل: ۹۷). پس ایمان، روح حیات طیبه است و بقای آن به عمل صالح وابسته است.

۳. شکوفایی عقل در سایه اختیار: از مهم‌ترین عوامل شکوفاسازی عقل، تفکر است؛ تا جایی که اصل عقل را «فکر» دانسته‌اند. حضرت علی (ع) فرمود: «أَصْلُ الْعَقْلِ الْفِكْرُ وَ تَمَرَّتُهُ السَّلَامَةُ؛ ریشه عقل، فکر کردن و ثمره آن سالم ماندن از خطا، گناه یا عذاب آخرت است» (تمیمی آمدی، بی‌تا: ۳۰۹۳). عقل سرچشمه تفکر است و از راهبردهای تعالی معنوی انسان به شمار می‌رود (خوانساری، ۱۳۶۶: ۴۱۷/۲).

گرچه شکل‌گیری حیات طیبه در پرتو مشیت الاهی و با استمداد از عنایات او امکان‌پذیر است، اما بر اساس سنت الاهی لزوم تکیه بر اسباب و نیز تمهید انواع مقدمات و زمینه‌های مناسب از طریق تعقل، از ضروریات این حیات است. در این میان یکی از زمینه‌های مهم تحقق مراتب حیات طیبه در همه ابعاد فردی و اجتماعی این است که افراد جامعه اسلامی با تفکر برای تحقق مراتب حیات طیبه به آن ملتزم باشند. زیرا ارتباط آگاهانه و اختیاری با خداوند و تقویت رابطه با او در همه شئون فردی و اجتماعی، عنصر اصلی این نوع زندگی است و اساساً تحقق هر گونه کمال ارزشی در خصوص انسان به وجود آگاهی و اختیار در مبادی عمل او مربوط می‌شود (شورای عالی انقلاب فرهنگی، ۱۳۹۰: ۱۰۰).

قطعاً اذن الاهی بر مدار اختیار انسان جاری می‌شود: «إِنَّ اللَّهَ لَا يَغَيِّرُ مَا بَقِيَهُ حَتَّىٰ يَغَيِّرُوا مَا بِأَنْفُسِهِمْ؛ یقیناً خدا سرنوشت هیچ قومی را تغییر نمی‌دهد، مگر اینکه آنان خویشان را، به وسیله رفتارهای نیک یا بد، تغییر دهند» (رعد: ۱۱). عقل انسان قوه و استعدادی است که وی با آن به حقایق عالم وجود راه پیدا می‌کند و خیر و شر خویش را تشخیص می‌دهد. عقل ودیعه‌ای الاهی است که در فطرت و سرشت انسان قرار داده شده است تا با آن حق از باطل تشخیص داده شود (حاجی‌صادقی و بخشیان، ۱۳۹۳). عقل سرمایه بنیادین نهفته در انسان و اساس شخصیت او است. رسول خدا (ص) می‌فرماید: «مَا قَسَمَ اللَّهُ لِلْعِبَادِ شَيْئًا أَفْضَلَ مِنَ الْعَقْلِ ... وَ لَا بَلَغَ جَمِيعَ الْعَابِدِينَ فِي فَضْلِ عِبَادَتِهِمْ مَا بَلَغَ الْعَاقِلُ؛ خدا چیزی بهتر از عقل به بندگانش نداده است ... همه عابدان در فضیلت عبادتشان به پای عاقل نرسند» (کلینی، ۱۴۰۷: ۱۳/۱). هر کسی به میزانی که این سرمایه را شکوفا کند، به همان میزان به تعالی معنوی و حیات طیبه واصل می‌شود.

قرآن یکی از عناصر سازنده حیات انسانی و عوامل تکامل وی را پرورش عقل می‌داند. انسان از طریق رشد صحیح عقل و بهره‌برداری از آن در جهت هدف آفرینش می‌تواند از حیات طیبه برخوردار شود. در مقابل، قرآن کریم بدترین جنبندگان را که از حیات طیبه انسانی محروم‌اند، کافرانی می‌داند که از عقلشان استفاده نمی‌کنند (انفال: ۵۵).

۴. ممنوعیت فردگرایی: همان‌گونه که بیان شد، اَمّت واحدہ موجب رسیدن به تکامل و حیات طیبه است و از این رو در این سیستم، از فردگرایی سلیقه‌ای و نفسانی بر حذر داشته شده است. مسئولیت‌پذیری و بیرون‌آمدن از حصار خودبینی و متعهدشدن در

برابر دیگران و به دنبال آن، فراهم‌شدن زمینه رشد اجتماعی، از آثار اُمّت واحده است و ارزش اعمال فرد با ورود به این سیستم بیشتر می‌شود. از همین روی دو رکعت نماز به جماعت، فضیلتی والا می‌یابد و حج خانه خدا در وقتی معین و با آداب خاص برای متمکنان مالی، جانی و عقلی شکل گرفته و وجوب پیدا می‌کند؛ یعنی در انسجام و نظامی الهی، نه فقط اعمال انسان رشد می‌کند و گران‌بها می‌شود، بلکه خود انسان هم بها می‌یابد. به بیان دیگر، انسان در جمع الهی معنا و بها پیدا می‌کند. این کلام پیامبر اعظم (ص) که فرمود: «مَنْ أَصْبَحَ وَ لَمْ يَهْتَمَّ بِأُمُورِ الْمُسْلِمِينَ فَلَيْسَ بِمُسْلِمٍ؛ هر کس صبح کند و به امور مسلمانان همت نرزد، از آنان نیست» (کلینی، ۱۴۰۷: ۱۶۴/۲)، بیانی گویا از اهمیت آحاد امت اسلامی برای یکدیگر است.

۵. کارکرد سیستمی امت واحده: تشکیل اُمّت واحده، صرف نظر از تشکیل حکومت اسلامی در صدر اسلام که خود در سیستم اُمّت واحده تعریف شده است، اهداف ارزشمندی داشته و تأسیس این بنا نیز برای رسیدن به آن اهداف ترسیم و توصیه شده است. اُمّت واحده، به عنوان تفکر سیستمی الهی، مجموعه‌ای منسجم، هماهنگ و هدفمند است که شاخصه‌های مهم سیستم از قبیل حضور اعضا، تعاملات آنها، بهبود بازده، حرکت در مسیر تکامل و سایر اصول در آن وجود دارد و دقیقاً در آن، به روابط اعضای اُمّت واحده، ذیل گزاره‌های متعددی همچون توصیه‌های اخلاقی و تکالیف حقوقی، مانند رابطه انسان با طبیعت، رابطه انسان‌ها با یکدیگر، رابطه انسان با خود و رابطه انسان با خدا، پرداخته شده است و ادعا بر این است که در این تعاملات، هیچ جزئی بدون اجزای دیگر نمی‌تواند مؤثر عمل کند. از همین رو، می‌توان متوجه عظمت نظام اُمّت واحده شد.

چنانچه نهادی به نام امت واحده به عنوان سیستم لحاظ شود، انتظار می‌رود که کارکرد سیستمی داشته باشد و به همین دلیل همه عناصر آن در ادامه کار هدفمند سیستم و نیز در رشد آن و در هنگام مواجه‌شدن با مشکلات در رفع مشکلات، همکاری کنند. به شرط آنکه ساختار یا اعضای این بدنه دچار مشکل درونی نشود. سید علی خامنه‌ای در دیدار با شرکت‌کنندگان جهانی همایش جریان‌های افراطی و تکفیری می‌گوید: «ببینید نیروها و شمشیرها در دست مسلمانان علیه چه کسانی دارد به کار می‌رود» (خامنه‌ای، ۱۳۹۳ ب).

با توجه به نگرش‌های اولیه مسلمانان به سیستم امت واحد و نحوه ساخت آن و چگونگی تبدیل این نهاد به نهادی سیستمی، به دلیل شرایط کافی آن و علاقه‌مندی و اطاعت آنها از ولی حق (هود: ۴۸)، این سیستم بسیار اثرگذار است و حیاتی طیب را به ارمغان می‌آورد (بقره: ۱۴۳؛ نحل: ۸۹). همان‌گونه که قبلاً بدان اشاره شد، در بررسی منابع مختلف و شواهد تجربی و از همه بالاتر نگاه قرآنی، اصل در ایجاد و قوام و استمرار امت اسلامی، انتخاب ولی الهی و انقیاد آگاهانه به آن و تنظیم و توزیع هدفمند وظایف و مشارکت هماهنگ اعضا است.

۶. هم‌زیستی، باهم‌نگری و هم‌اندیشی؛ خداوند در تمام آموزه‌های قرآنی، به جز در یک آیه،^{۱۱} که سیاق متکلم وحده را به کار می‌برد (بقره: ۱۸۶)، در تمام آیات و در غیر آیات مربوط به عبادت و بندگی، همواره کلام خدا را به صورت متکلم مع‌الغیر می‌آورد و این، نشان از اهمیت آموزه قرآنی برای با هم زیستن، با هم نگرستن، با هم اندیشیدن و با هم عمل کردن هدفمند است و این همان شاکله امت واحد اسلامی است.

بنابراین، تفکر سیستمی الهی، نحوه نگرش منطقی و عقلانی است. اسلام، امت واحد را برای ایجاد و استقرار حیات طیبه انسانی معرفی کرد؛ تفکری با فرآیند معرفتی مبتنی بر تحلیل (تجزیه) و ترکیب در جهت دستیابی به هدف متعالی که با به‌کارگیری آن، رشد و تکامل و آرامش انسانی محقق، و حیات طیبه تأمین می‌شود.

نتیجه

بر مبنای تفکر اسلامی، جهان هستی به گونه‌ای آفریده شده که متناسب با حرکت تکاملی انسان باشد. کل جهان هستی و آفرینش، به صورت مجموعه‌ای هماهنگ و هدفدار، تحت تدبیر و مدیریت الهی قرار دارد. از آنجا که تفکر سیستمی اسلامی نوعی جهان‌بینی توحیدی است و به جهان بعد نیز معتقد است، چشم‌انداز تفکر سیستمی مادی را که دامنه آن در این جهان سایه دارد، گسترش می‌دهد و به افراد کمک می‌کند نگرش وسیع‌تری راجع به دنیا و آخرت به دست آورند.

در نظام اسلامی، مجموعه مبانی هستی‌شناسی موجود در نگرش دینی، اعم از بینش توحیدی و باور معاد، هم در یافتن متعالی‌ترین غایت و هم در مبنای ارزش‌گذاری صفات و عملکردهای انسان، تأثیرگذارند. بر اساس این بینش ژرف، سعادت و هدف

نهایی انسان در بندگی خداوند و قرب او تبلور می‌یابد. این هدف از حیث آثاری که در وجود فرد دارد، حیات طیبه خوانده می‌شود که مقدمات آن در تفکر سیستمی الهی، یعنی شعور جمعی در خصوص مشارکت انسانی، ایمانی و دوری از اولیای کفر، تحت عنوان «امت واحده» شکل می‌گیرد.

امت واحده به عنوان نوعی تفکر سیستمی الهی، صرفاً نظامی بدون روح حاکم الهی نیست. لذا برای رفع نقایص نگرش‌های صرفاً سیستماتیک مادی، می‌توان از تفکر سیستمی الهی استمداد کرد و از آموزه‌های متعالی اسلامی بهره جست؛ چراکه به دلیل منابع عظیم و جاودان، معتبرترین است، و به دلیل داشتن طرح و نظر برای همه ابعاد زندگی، اعم از جسمانی و روحانی، دنیوی و اخروی، جامع‌ترین و به دلیل داشتن معیارها و ارزش‌ها و اصول الهی دقیق، شفاف‌ترین و مشخص‌ترین تفکر است.

از مجموعه آیات الهی استفاده‌شده در این تحقیق می‌توان دریافت که در واقع باورمندی اعتقادی، لازمه رسیدن به حیات طیبه در دو بُعد فردی و اجتماعی است. بر اساس رویکرد غایت‌شناسانه، به وضوح در کلام الهی هویدا است که خداوند اهل ایمان را به سوی زندگی‌ای دعوت می‌کند که مایه حیات است و محشورشدن به سوی خدا را گوشزد می‌کند (انفال: ۲۴). بنابراین، اگر انسان‌ها با قدرت و اراده‌ای که خدا به آنان عطا فرموده، با همفکری و همکاری افراد جامعه اسلامی تحت لوای امت واحده با تکیه بر هدف کلان نظام و شریعت الهی، یعنی قرب الی‌الله، عمل کنند، در عین ارزشمندی ذاتی، رهنمونی مناسب برای پردازش ساختاری مستحکم به نام امت واحده و تحقق حیات طیبه برای بشر خواهد بود.

پی‌نوشت‌ها

۱. در قرآن، قریب به ۶۲ بار «امم» و «امت» به کار رفته که مشخصاً ۹ بار آن تحت عنوان «امت واحده» و یک بار «امت وسط» و ... است.
۲. اواخر دهه ۱۹۵۰.
۳. نظام‌مند به مجموعه‌ای اطلاق می‌شود که اجزای آن منسجم و مرتبط باشند و جملگی هدف مشخصی را دنبال کنند. «نظام» معادل کلمه «سیستم» است و مقصود از نظام‌مندی همان نظریه سیستمی است که معتقد است باید سازمان را به منزله یک کل نظام یافته در نظر گرفت که اجزای آن با یکدیگر اتحاد شبکه‌ای دارند.

۴. در نظام مقرر الاهی روشن می‌شود که چه کسانی ولی خود را پیامبر قرار داده‌اند ... و قطعاً دیگران خودشان اعمالشان را ضایع می‌کنند نه خدا.
۵. این سخن امام سجاد (ع) که می‌فرمایند اگر فرد فرد امتی، امر به معروف و نهی از منکر را ترک، و در این فریضه مهم کوتاهی کنند، همه آن امت در سرازیری انحطاط و سقوط واقع می‌گردند، گویای همبستگی فرد و مجموعه در نگرش سیستمی است.
۶. «این حرکت فتنه‌آلودی که جریان تکفیری در کشورهای اسلامی، در عراق و سوریه و لیبی و لبنان و بعضی کشورهای دیگر، به وجود آورد، منجر به این شد که زیرساخت‌های ارزشمند این کشورها ویران بشود» (خامنه‌ای، ۱۳۹۳ الف؛ همو، بی‌تا: ج ۳۶).
۷. سنت یا نظام آفرینش به گونه‌ای تدبیر شده که بر اساس نظام علی معلولی، کافر یا مسلم، نتیجه تلاش مادی و معنوی خود را ببیند.
۸. نظام اقتصادی، قضایی، سیاسی، اخلاقی و حقوقی.
۹. «و برخی از آنان گویند: پروردگارا، به ما در دنیا نیکی و در آخرت نیکی عطا کن و ما را از عذاب دوزخ نگاه دار».
۱۰. اینکه روح الله موسوی خمینی، با آینده‌نگری خاص و عبرت‌آموزی از گذشته، به اسلام ناب محمدی و نه آمریکایی، مکرر هشدار می‌داد حکایتگر آن است که اگر از اصل، فاصله بگیریم، می‌توان با دین به جنگ دین رفت و بدنه امت واحده را گسیخت.
۱۱. آیه‌ای که انسان‌ها را از اتخاذ ولی کفر و بندگی غیر خدا حذر می‌دهد.

منابع

- قرآن کریم، ترجمه: محمد مهدی فولادوند.
- تمیمی آمدی، عبدالواحد بن محمد (بی‌تا). *غرر الحکم و درر الکلم*، قم: مؤسسه تحقیقات و نشر معارف اهل بیت.
- ابن منظور، محمد بن مکرم (۱۴۱۴). *لسان العرب*، بیروت: دار صادر، ج ۱.
- احمدی، مهدی (۱۳۹۱). «تبیین سیستمی رهنمودهای مقام معظم رهبری در خصوص جهاد اقتصادی»، در: *مطالعات راهبردی بسیج*، ش ۵۵.
- بهشتی، سعید (۱۳۸۹). *تأملات فلسفی در تعلیم و تربیت*، تهران: سازمان تبلیغات اسلامی، شرکت چاپ و نشر بین‌الملل.
- جعفری تبریزی، محمدتقی (۱۳۷۶). *ترجمه و تفسیر نهج البلاغه*، تهران: دفتر نشر فرهنگ اسلامی.
- حاجی صادقی، عبدالله؛ بخشیان، ابوالقاسم (۱۳۹۳). «مفهوم‌شناسی و حقیقت‌یابی حیات طیبه از منظر قرآن»، در: *انسان‌شناسی دینی*، ش ۳۱، ص ۱۶۵-۱۸۵.
- حقیقت، صادق (۱۳۸۷). *روش‌شناسی علوم سیاسی*، قم: انتشارات دانشگاه مفید.
- خامنه‌ای، سید علی (۱۳۹۳ الف). «بیانات مقام معظم رهبری»، در: *نشریه فرهنگ اسلامی*، ش ۱۸.

خامنه‌ای، سید علی (۱۳۹۳ ب). «سخنرانی در دیدار با شرکت‌کنندگان جهانی جریان‌های افراطی و تکفیری»، دفتر حفظ و نشر آثار آیت‌الله العظمی خامنه‌ای، در: <http://farsi.khamenei.ir/news-content?id=28249>

خامنه‌ای، سید علی (بی‌تا). *بیانات، بی‌جا: بی‌نا*.

خوانساری، محمد بن حسین (۱۳۶۶). *شرح غرر الحکم*، تهران: انتشارات دانشگاه تهران.
راغب اصفهانی، حسین بن محمد (۱۴۰۴). *المفردات فی غریب القرآن*، تحقیق: صفوان عدنان، بیروت: دار القلم.

«رویگرد سیستمی» (۱۳۸۵). در: majdnia.blogfa.com.

زاهدی، شمس‌السادات (۱۳۸۹). *مجموعه مقالات نگرش سیستمی*، تهران: مرکز آموزش مدیریت دولتی.

شورای عالی انقلاب فرهنگی (۱۳۹۰). *مبانی نظری تحول بنیادین در نظام تعلیم و تربیت رسمی عمومی جمهوری اسلامی ایران*، تهران: شورای عالی انقلاب فرهنگی.

طباطبایی، محمدحسین (۱۳۷۴). *المیزان*، ترجمه: محمدباقر موسوی همدانی، قم: دفتر انتشارات اسلامی.

فرشاد، مهدی (۱۳۶۲). *نگرش سیستمی*، تهران: امیرکبیر.

کلینی، محمد بن یعقوب (۱۴۰۷). *الکافی*، تصحیح: علی‌اکبر غفاری و محمد آخوندی، تهران: دار الکتب الاسلامیة، ج ۱ و ۲.

مصطفوی، حسن (۱۳۶۰). *التحقیق فی کلمات القرآن الکریم*، تهران: بنگاه ترجمه و نشر کتاب.

مطهری، مرتضی (۱۳۸۶). *سیری در سیره نبوی*، قم: صدرا.

معین، محمد (۱۳۸۱). *فرهنگ لغت معین*، تهران: آدنا.

مفتح، محمدهادی (۱۳۹۵). «قاعده اهم و مهم در نظریه غیراخلاقی توجیه»، در: *پژوهش‌های اخلاقی*، س ۶، ش ۳ (۲۳)، ص ۱۴۵-۱۶۴.